

تاریخ یک خاندان شیعی

خاندان نوبختی

نوشته عباس اقبال آشتیانی

صورت افست زد. تنها تفاوتی که بین این چاپ و چاپ نخستین وجود دارد این است که غلط‌های چاپی مشروح در ذیل صفحه ۲۹۷ چاپ سال ۱۳۶۱ و برخی غلط‌های جزئی دیگر که در آن فهرست ضبط نشده بود در این نسخه تصحیح گردیده و غلطنامه پیشین حذف شده است.

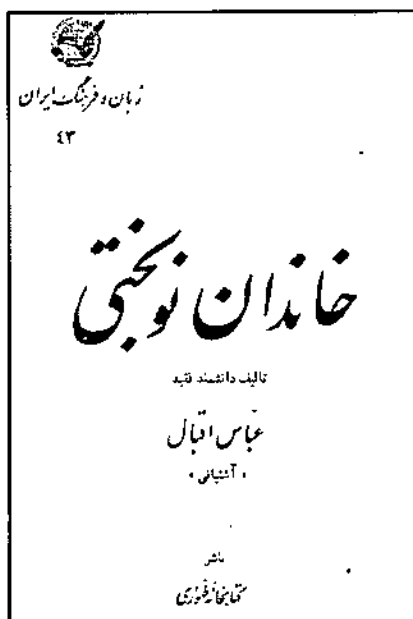
این کتاب شرح حال خانواده‌ای از ایرانیان اصیل است که صمیمانه در راه توفیق بین آراء خاصه ایرانیان و مذهب تشیع کوشیده و در منزه ساختن ساحت این مذهب از تهمت‌هایی که سایر فرقه‌ها بر آن وارد می‌کرده‌اند کوشش بسیار نموده و با اختیار اعتزال و دفع عقیده به تشبیه و تجسیم و رویت در باب توحید و وارد کردن باب امامت در مباحث کلامی و دفاع از مسأله غیبت و جلوگیری از بدعت‌گذاران در دین و تقویت جامعه شیعه در مقابل قدرت خلفا و عنصر متعصب ترک و پیروان حدیث و سنت، این مذهب را به شوکت و اقتدار و اعتبار رساندند. همچنان که پیش از اسلام، ایرانی و زردشتیگری برای بیگانگان یک مفهوم بیش نداشت، بعد از اسلام تا زمان حال نیز ایرانی و شیعه به یک معنی بوده، دشمن شیعه یعنی دشمن ایران و مخالف ایران یعنی مخالف شیعه، بنابراین خدمت خاندان ایرانی نوبختی در راه دفاع از استقلال ایران و نجات آن از استحاله یکی از بزرگترین خدماتی است که توجه به آن بر همه ایرانیان واجب و ضروری است.

خاندان ایرانی نژاد نوبختی از جمله خانواده‌های اصیلی هستند که با پذیرش اسلام در خدمت خلفای عباسی درآمدند. چنانکه از اشارات مورخان و شعرا و ادبا برمی‌آید آنان از نیمه سده دوم تا اوایل سده پنجم هجری بیشتر در دارالخلافه بغداد، مصدر کارهای کشوری و یا در یکی از شعبه‌های علوم و ادبیات، از جمله افراد شاخص بوده‌اند. به ویژه چند نفر از آنان از پیشوایان بزرگ مذهب امامیه (شیعه دوازده امامی) محسوب می‌شده‌اند.

جد اعلای این خانواده یعنی نوبخت و پسر او ابوسهل و چند تن از پسران ابن سهل از مترجمان زبان پهلوی به عربی و از منجمان و ستاره‌شناسان آشنا به نجوم ایرانی عهد ساسانی بوده‌اند. گروهی از نوادگان ابوسهل بن نوبخت به دلیل پذیرش مذهب شیعه جعفری از مدافعان جدی این مذهب شدند و در رد آراء مخالفان از هیچ‌گونه فداکاری خودداری نکردند و با تألیف رسائل و کتاب‌های بسیار، عقاید شیعه امامیه را در میان مردم منتشر کردند.

مرحوم عباس اقبال کتاب خاندان نوبختی را در یک مقدمه و ۱۵ فصل آورده است:

فصل اول کتاب با عنوان: «نوبخت جد این خاندان» آغاز می‌شود. در این فصل، راجع به دین و نژاد نوبخت، زمان زندگی و



- خاندان نوبختی
- تألیف: عباس اقبال آشتیانی
- ناشر: کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۴۵.

- دکتر سیدحسن موسوی
- عضو هیات علمی دانشگاه شیراز

کتاب خاندان نوبختی تألیف عباس اقبال در اصل پایان‌نامه دوره لیسانس وی بود که پس از تکمیل و پژوهش و کنکاش بیشتر در سال ۱۳۶۱ (ه. ش) در چاپخانه مجلس به چاپ رسید. مرحوم عباس اقبال در مقدمه کتاب و در متن با کمال خلوص نیت که روش بزرگان علم و پژوهشگران است به این نکته اشاره دارند که کتاب مزبور در حکم زمینه‌ای برای پژوهش تفصیلی درباره خاندان نوبختی است و از پیشروان دانش و پژوهش درخواست کرده که در این زمینه مطالعات بیشتری انجام دهند. پس از انتشار نخستین چاپ کتاب که در موضوع خود اثری یگانه و نوشته‌ای بی‌سابقه و از نظر فرهنگ و ادب ایران بسیار مهم بود، به درخواست نویسنده، اهل فضل و ادب در تأیید و یا توضیح برخی از مطالب کتاب یادداشت‌هایی در برخی از مجله‌ها انتشار دادند که مطالعه آنها نیز برای خوانندگان دانش‌پژوه سودمند است. درفا کتاب در زمان حیات نویسنده دانشمند تجدید چاپ نشد و سال‌ها پس از نخستین چاپ و کمیابی آن، آقای سیدعبدالفار طهوری، صاحب انتشارات معروف طهوری با کسب اجازه از خانواده بزرگوار آن استاد فقید، در سال ۱۳۴۵ دست به نشر و چاپ دوم کتاب به

ابوسهل اسماعیل بن علی (۲۳۷-۳۱۱ ه. ق) همزمان با ایام غیبت صفری زندگی می‌کرده و از بزرگان و رؤسای شیعه و از مشاهیر و متکلمان بوده است



چگونگی ورود او به خدمت منصور بحث شده و بنسب به ارتباط بین بحتری، شاعر معروف و این خانواده و مدح وی از چند تن از نوبختیان پرداخته شده است. در فصل دوم از ابوسهل، فرزند نوبخت سخن به میان آمده است. ابوسهل بنا به توصیه نوبخت به خدمت منصور درآمد و تا فوت منصور در خدمت وی بوده است (۱۵۸ هـ). سپس مدتی در خدمت هارون الرشید و در بیت الحکمه، مرکز اجتماع ایرانیان شعیبیه به سر برده است. عباس اقبال از قول ابن ندیم از وی به عنوان مترجم کتاب‌های یهلوی و متحجم ایرانی یاد کرده و سپس ۷ کتاب ابوسهل را ذکر می‌نماید.

مؤلف در فصل سوم کتاب، تحت عنوان پسران ابوسهل بن نوبخت، از ده پسر ابوسهل و کارهایی که انجام داده‌اند بشرح زیر یاد می‌کند: ۱. اسماعیل ۲. ابویوب سلیمان ۳. داود ۴. اسحاق ۵. ابوالحسین علی ۶. هارون ۷. محمد ۸. ابوالعباس فضل ۹. عبدالله ۱۰. سهل و پسرش حسن... در پایان این فصل از ابونواس حسن بن هانی شاعر شیرین سخن ایرانی الاصل یاد می‌کند. این شاعر با وجود این که از خان نعمت آل نوبخت بهره‌مند بوده اما در اشعار خویش، آنان را به باد ناسزا گرفته است. تنها سلیمان بن ابوسهل که طبع شعر داشته گاهی به هجویت ابونواس جواب گفته است، و سرانجام برخی گفته‌اند که ابونواس را خاندان نوبختی مسموم کردند.

در فصل چهارم به ظهور علم کلام و متکلمان اولیه می‌پردازد. پس از بحثی اجمالی و ریشه‌ای راجع به این علم، از چند متکلم معروف شیعه امامیه چون شیخ طوسی (۲۸۷-۴۶۰)، سیدمرتضی (۳۵۵-۴۳۶)، شیخ مفید (۴۳۶-۴۱۳)، ابوالجیش مظفر بن محمد بلخی (م ۲۶۷)، ابوالحسین علی بن وصیف الناشی الاصفه (۲۷۰-۳۶۵) و محمد بن پسر سوسنجردی که مستقیماً یا با واسطه از ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی (۲۳۷-۳۱۱) اخذ علم کرده، یاد می‌کند. وی در پایان به فرقه معتزله، علم کلام، عقیده به خلق قرآن و به ارائه دلایل طرفداران هر گروه می‌پردازد.

در فصل پنجم مسأله فرقه‌های شیعه و متکلمان اولیه آن مورد بحث قرار می‌گیرد. مؤلف می‌نویسد: عنوان شیعه در آغاز به کسانی اطلاق می‌شد که بعد از درگذشت حضرت محمد (ص) امامت را حق حضرت علی (ع) می‌دانستند. همین گروه هستند که اصل و منشأ تمام فرق شیعه محسوب می‌شوند.

آنان در باب این که بعد از هر امامی جانشین او کیست و این جانشین چه مقامی دارد و آیا امامت به او ختم می‌شود یا یکدیگر اختلاف پیدا کردند و بدینگونه فرق مختلف شیعه بوجود آمد. فرق شیعه در آغاز به سه گروه بزرگ: ۱. غلاة یا غالیه ۲.

امامیه و ۳. زیدیه تقسیم شدند که راجع به هر کدام از این سه گروه توضیحاتی در کتاب آمده است. بعد از واقعه کربلا، امامیه به دو فرقه بزرگ تقسیم شدند: یک گروه علی بن حسین (ع) را که جدش حضرت فاطمه (ع) بود به عنوان امام پذیرفتند و دسته دیگر محمد حنفیه را که به آنان «کیسانیه» گویند. پس از درگذشت محمد بن حنفیه، یک گروه از کیسانیه تا ابوهاشم عبدالله پسر او بیعت کردند و پس از گذشت او چون معتقد بودند که امامت به محمد بن علی بن عبدالله بن عباس واگذاشته او را به امامت پذیرفتند که از این تاریخ به نام شیعه آل عباس یا راوندیه معروف شدند و خلفای بنی عباس را حمایت کردند و برای تمیز، فرقه امامیه را از این تاریخ شیعه علویه گفته‌اند. پس از این تقسیم‌بندی به مسأله امامت و نظریه هر فرقه می‌پردازد. وی سپس به مذهب امامیه و متکلمان اولیه پرداخته و در ضمن بحث، قیام امام حسین (ع) را مطرح و سپس به قیام مختار و نقش ایرانیان در آن قیام می‌پردازد. خلافت عبدالملک را دوران محنت و خواری مسلمانان عرب و غیرعرب می‌داند و به جفاهایی که نسبت به ایرانیان و طرفداران مذهب شیعه رفته اشاره می‌کند.

در این فصل از مشکلات بحث‌های کلامی در زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) سخن می‌گوید که از یک طرف با دعاوی فرقه‌ای مانند کیسانیه و زیدیه و اسماعیلیه روبرو بودند و از طرف دیگر با پیروان حدیث و سنت و طرفداران ابوحنیفه و زنادقه و دهریون و از همه مشکل‌تر با معتزله روبرو بودند. شیعیان امامیه در این دوران به ائمه اظهار مراجعه می‌کردند و به گفته شیخ طوسی از زمان حضرت علی (ع) تا امام یازدهم، چهارصد کتاب تألیف گردید که آنها را اصول خوانند. در این محث عباس اقبال به بحث پیرامون اصل (کلام) می‌پردازد. پیروان یا اصحاب اصول و اقدامات هر کدام را مطرح می‌کند و از جمله مطالبی راجع به جعل اخبار و داخل کردن آنها در احادیث روایت شده از ائمه بیان می‌کند. وی سپس از متکلمان اولیه فرقه امامیه یا منتسبین آنها که پیش از آل نوبخت در این راه قلم زده‌اند، یاد می‌کند که از آن جمله‌اند: ۱. ابوجعفر مؤمن الطاق، ۲. هشام بن سالم، ۳. هشام بن الحکم، ۴. ابوالحسین علی بن میثم تمار، ۵. ابومالک حضرمی، ۶. ابوجعفر سکاکی، ۷. یونس بن عبدالرحمن قمی، ۸. علی بن منصور، ۹. ابوحفص حذاد نیشابوری، ۱۰. ابوالا حوص بصری، ۱۱. ابوعیسی وراق، ۱۲. ابن راوندی (که این شخص به دلیل تغییر مسلک و تزلزل در ایمان و اظهار الحاد و زندقه نمی‌توان گفت جزء کدام فرقه است. عباس اقبال به ۱۸ جلد از کتاب‌های راوندی اشاره دارد. البته مسعودی تعداد کتاب‌های وی را ۱۱۴ جلد نوشته است)، ۱۳. دیگران.

فصل ششم کتاب با عنوان: «ابوسهل اسماعیل بن علی

این کتاب شرح حال خاتواده‌ای از ایرانیان اصیل است که صمیمانه در راه تفیق بین آراء خاصه ایرانیان و مذهب تشیع کوشیده و در منزله ساختن ساحت این مذهب از تهمت‌هایی که سایر فرقه‌ها بر آن وارد می‌کرده‌اند کوششی بسیار نموده و با اختیار اعتزال و دفع عقیده به تشبیه و تجسیم و رویت در باب توحید و وارد کردن باب امامت در مباحث کلامی و دفاع از مسئله غیبت و جلوگیری از بدعت گذاردن در دین و تقویت جامعه شیعه در مقابل قدرت خلفا و عنصر متعصب ترک و پیروان حدیث و سنت، این مذهب را به شوکت و اقتدار و اعتبار رساندند



اعضای این خاندان از اواسط سده دوم تا اوایل سده پنجم هجری بیشتر در دارالخلافه بغداد، مصدر کارهای کشوری و یا در یکی از شعبه‌های علوم و ادبیات، از جمله افراد شاخص بوده‌اند. به ویژه چند نفر از آنان از پیشوایان بزرگ مذهب امامیه (شیعه دوازده امامی) محسوب می‌شده‌اند

جدّاعلای این خانواده یعنی نوبخت و پسر او ابوسهل و چند تن از پسران این سهل از مترجمان زبان پهلوی به عربی و از مترجمان و ستاره‌شناسان آشنا به نجوم ایرانی عهد ساسانی بوده‌اند

عباس اقبال درباره کتاب فرق‌الشیعه بحث نکته‌سنجانه و مفصلی ارائه می‌کند و سرانجام بدین نتیجه می‌رسد که کتاب فرق‌الشیعه چاپی، تألیف ابوالقاسم سعدبن عبدالله اشعری قمی است نه محمدبن موسی نوبختی



(۲۳۷-۳۱۱ ه. ق) شروع می‌شود. وی همزمان با ایام غیبت صغری زندگی می‌کرده و از بزرگان و روسای شیعه و از مشاهیر و متکلمان بوده است. این فصل شامل مطالب زیر است:

۱- زندگانی اداری ابوسهل نوبختی

۲- زندگانی علمی و ادبی ابوسهل

۳- شاگردان ابوسهل

۴- ابوسهل نوبختی و مسأله غیبت

۵- ابوسهل نوبختی و حسین بن منصور حلاج

۶- تألیفات ابوسهل نوبختی.

در پایان فصل ششم از ابوجعفر برادر ابوسهل که از متکلمان و نویسندگان شیعه بوده است سخن گفته شده است.

در فصل هفتم کتاب خاندان نوبختی، شرح حال و اقدامات ابومحمد حسن بن موسی نوبختی، به شرح ذیل مطرح شده است:

۱- احوال ابومحمد نوبختی

۲- تألیفات نوبختی که از برخی کتب وی فقط نام آن آورده شده اما درباره برخی از کتب وی چون کتاب ردبغلاة و کتاب الاداء و الدیانات (شرح مقالات ملل و نحل قدیمه) و فرق‌الشیعه، توضیحات مفصل‌تری ارائه داده است. در مورد کتاب فرق‌الشیعه این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا این کتاب از ابومحمد نوبختی است؟

اقبال در این مورد بحث نکته‌سنجانه و مفصلی ارائه می‌کند و سرانجام به این نتیجه می‌رسد که کتاب فرق‌الشیعه چاپی، تألیف ابوالقاسم سعدبن عبدالله اشعری قمی است نه نوبختی (ص ۱۶۰).

وی پس از این شرح، به تعداد ۱۴ گانه فرق‌الشیعه از قول نوبختی بعد از رحلت امام حسن عسگری (ع) می‌پردازد. و از قول مسعودی در کتاب المقالات فی اصول الدیانات و سرالحیة تعداد فرقه‌ها را به ۲۰ مورد می‌رساند.

فصل هشتم به شرح حال ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت اختصاص دارد. از کتاب یاقوت (اصول) نوشته وی که تنها کتاب باقی‌مانده از بزرگان نوبختی است یاد می‌کند. از این کتاب در هیچ یک از تواریخ و تراجم رجال نمی‌برده نشده است. اما علامه حسن بن مطهر حلی (۶۴۸-۷۲۶ ه. ق) شرحی به نام انوارالملکوت فی شرح یاقوت بر آن نوشته است. البته پیش از حلی، ابن ابی‌الحدید بر آن شرحی نوشته که در حال حاضر اثری از آن نیست. سپس بحث زمان تخمینی کتاب را مطرح می‌کند و بعد از آن به شرح انوار الملکوت و دلیل شرح آن به وسیله ابن ابی‌الحدید می‌پردازد (ص ۱۷۰ به بعد) نویسنده سپس فهرست مطالب کتاب را به شکلی که علامه حلی در انوار الملکوت آورده، عیناً نقل می‌کند (ص ۱۷۲-۱۷۶) و پس از آن به شرح کتاب دیگر ابواسحاق نوبختی به نام الابتهاج که از مباحث کلامی است، می‌پردازد.

مؤلف در فصل نهم به شرح حال ابویعقوب اسحاق بن اسماعیل (مقتول ۳۲۷) و پسرش ابوالفضل یعقوب می‌پردازد. این دو نفر از منشیان معروف و با نفوذ دربار خلفای بنی‌عباس و از ممدوحین بزرگ بختری شاعر معروف هستند. مرحوم اقبال شرح ناسپاسی قاهر، خلیفه عباسی نسبت به این دو نفر را به تفصیل شرح می‌دهد.

فصل دهم درباره ابوالحسن علی بن عباس (۲۴۴-۳۲۴) و پسرش ابوعبدالله حسین (م ۳۲۶)، به ویژه از ابوالحسن علی بن عباس است که از بزرگان منشیان اعیان و شعرای بغداد و از مردمان

کریم و ادب‌پرور بوده‌اند. به قول ابن ندیم کتاب شعر وی به ۲۰۰ برگ می‌رسیده است. علی بن عباس نوبختی در دستگاه خلافت نقش‌های مهمی ایفا کرده است. از جمله، زمانی که قاهر، خلیفه عباسی تصمیم گرفت، املاک سیده، مادر مقتدر را به فروش رساند، علی بن عباس را در فروش آن املاک وکیل خویش نمود.

در ادامه مطلب، باتوجه به اسناد و مدارک، سال درگذشت وی ذکر شده است.

در همین فصل، تحت عنوان «آل نوبخت و بختری» (ص ۲۰۶-۲۸۳ ه. ق) مطالبی درباره شاعر معروف، بختری و چگونگی ارتباط وی با خاندان نوبخت، سپس بحثی پیرامون آل نوبخت و ابن الرومی، شاعر شیعی مذهب که از مباحث آل نوبخت است می‌آورد. صفحه ۲۰۰ تا ۲۱۱ نیز به شرح حال ابوعبدالله حسین بن علی، پسر علی بن عباس نوبختی اختصاص یافته است. وی از منشیان و عمال دیوانی است که در اواخر عمر، اهمیت و اعتبار فوق‌العاده پیدا کرد و در بغداد در عصری که ابوالقاسم حسین بن روح یکی از وکلای امام زمان (عج) نیز نفوذ و اقتدار بسیار داشت، از رجال درجه اول آن شهر و قائم مقام وزراء محسوب می‌شده است. مرحوم اقبال نقش حساس ابوعبدالله حسین بن علی را در دوران خلافت راضی و مقتدر و همکاری وی با ابویوسف بریدی و مخالفتش با خاندان بریدی شرح داده و سپس همکاری او را با ابن‌رائق در کشمکش‌های طولانی وزراء و درگیری خلیفه با وزراء را به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهد.

مرحوم اقبال در فصل یازدهم به بیان شرح حال ابوالقاسم حسین بن روح (م ۲۳۶) می‌پردازد. وی بعد از ابوسهل اسماعیل بن علی، مشهورترین فرد خاندان نوبختی است و بیشتر شهرتش به واسطه مقام دینی بزرگی است که در میان شیعه امامیه دارد و از نواب اربعه حضرت قائم (عج) محسوب می‌شود. وی پس از شرح مختصری از نواب اول و دوم، به توصیف زندگی حسین بن روح می‌پردازد سپس به درگیری حسین بن روح با شلمغانی، مدعی دروغین وکالت حضرت قائم (عج) پرداخته و پس از بیان ورد دعای شلمغانی و تألیفات وی، به چگونگی حکم قتل شلمغانی و نقش حسین بن روح در صدور این فتوا پرداخته است.

در فصل دوازدهم، شرح حال ابوالحسن موسی بن کبریا آمده است. وی از علما و منجمان و از رجال ایام غیبت صغری و راوی اخبار نایب سوم، حسین بن روح بوده است.

در فصل سیزدهم از ابومحمد حسن بن حسین نوبختی (ص ۳۲۰-۴۰۳) که از راویان اخبار فرقه امامیه است، سخن به میان آمده و سپس کسانی که از وی روایت کرده‌اند، نام برده شده‌اند.

در فصل چهاردهم تحت عنوان سایر افراد خاندان نوبختی به بیان شرح حال ۱۲ نفر از افراد خاندان نوبختی، به طور خلاصه می‌پردازد.

در فصل پانزدهم فهرست اسامی فرق شیعه به صورت الفبا آمده است که صفحه ۲۴۹ تا ۲۶۷ کتاب را شامل می‌شود. در پایان کتاب مرحوم اقبال فهرست منابعی که از آنها استفاده کرده و نیز فهرست تعریفات و القاب و اسامی فرقه‌ها را می‌آورد. به هرحال کتاب خاندان نوبختی از جمله کتاب‌های وزینی است که بخشی از تاریخ فقه شیعه را پر می‌کند.